

بیانیه پایانی

«اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»

«اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران» در شهریورماه 1380 (ماه اوت 2001) طی یک نشست و در پی تلاش درازمدت شمار بسیاری از پیکارگران کمونیست، با انگیزه پاسخ‌گوئی به تشتت و پراکندگی کمونیست‌ها، دخالت سازمان‌یافته در روند رویدادهای سیاسی و طبقاتی جاری و پاسخ به وظایفی که جنبش رو به اعتلای کارگران و زحمتکشان جامعه ما پیش پای آنان قرار داده بود پایه‌گذاری شد.

«اتحاد انقلابی» در اولین نشست خود، با انتشار یک بیانیه سیاسی مبنی بر اصل در هم شکستن ماشین دولتی سرمایه‌داری، به عنوان نخستین شرط برقراری حکومت کارگری و اعمال حاکمیت کارگران و زحمتکشان از طریق شوراهای سراسری، خطوط اصلی حرکت آینده را ترسیم کرد و با مشخص ساختن چهره خود و کشیدن خط و مرز روشن طبقاتی، کوشید در سوئیۀ مبارزات سوسیالیستی طبقه کارگر ایران قرارگیرد و در راستای به بار نشستن اهداف بزرگ آن دست به تلاش و مبارزه بزند.

این انگیزه زلال انقلابی نقطه آغازی بود برای پایه‌گذاری و چهره‌سازی یک حرکت پیشرو انقلابی در ذهنیت سیاسی و طبقاتی مبارزات جاری. حرکتی امید بخش که بسیاری بدان دل بستند و خود را در خدمت‌ش گذاشتند. این گرایشی نو به خودیابی بود و می‌رفت تا توان‌های نوین مبارزات کمونیستی ما را رخساری تازه ببخشد و به یک همگرایی و مبارزه کارساز بیانجامد.

اما تاریخ مبارزات طبقاتی همواره پر از آفت و خیزهاست و روند حرکت «اتحاد انقلابی» در پنج سال گذشته، نشان داد که این حد از هم‌نگری‌ها برای رسیدن به اهداف اعلام شده کافی نیست و نداشتن یک استراتژی واحد سیاسی که مبتنی برتحلیل واحد از شرایط مبارزه طبقاتی باشد در شرایطی که انگیزه نیروها و گرایش‌های شرکت‌کننده در این اتحاد گوناگون است و درک مشابهی از استراتژی و راهکارهای تحقق یافتن اهداف اعلام شده وجود ندارد، می‌تواند به بروز بحران منجر شود.

چنین نیز شد و بحران به درون «اتحاد انقلابی» رسوخ کرد و سبب گشت که حرکت و راهکارهای این اتحاد با استقبال چندانی از درون و بیرون روبرو نشود.

«اتحاد انقلابی» نتوانست بر سر تحقق اهداف اعلام شده، نیروی خود را سازماندهی و متمرکز کند. این روند سبب شد که ابتدا افراد بسیاری از دور «اتحاد انقلابی» پراکنده شوند و سپس برخی ازجریانات سیاسی شرکت‌کننده در آن نیز بدون مشورت با دیگران خود را کنار بکشند.

در پی بحران موجود، نشست پنجم «اتحاد انقلابی» در دسامبر 2005، این وظیفه را به عهده شورای هماهنگی منتخب خود گذاشت که طی یک دوره چهار ماهه، با برگزاری نشست‌ها و گفتگوها در درون «اتحاد انقلابی»، راهکارهای خروج از این بحران را بررسی کند و با جمع‌بندی گفتگوها، در یک هم‌پرسی از فعالین اتحاد، سرنوشت این نهاد مبارزاتی را روشن سازد و نتیجه را به آگاهی همگان برساند.

این حرکتی بود که جمعی، و با شرکت شمار بسیاری از پیکارگران کمونیست انقلابی ایران آغاز شده بود و می‌بایست بدون آن‌که مانند روندهای مشابه تاکتونی آن را به حال خود رها سازیم، به صورت جمعی، و با احساس مسئولیت انقلابی بر سر سرنوشت آن تصمیم می‌گرفتیم.

«شورای هماهنگی اتحاد انقلابی» سازماندهی نشست‌های گوناگون و بررسی و نظرخواهی از فعالین «اتحاد انقلابی» را بعهده گرفت. نتیجه اینکه اکثریت شرکت‌کنندگان «اتحاد انقلابی» به این جمع‌بندی رسیدند که علی‌رغم این‌که انگیزه اولیه پایه‌گذاری این اتحاد، همچنان فعلیت دارد و تشتت و پراکندگی

نیروهای کمونیست هنوز نتوانسته است پاسخ خود را بیابد، اما با توجه به غیرفعال شدن و کناره-گرفتن بخشی از فعالین و نیروها از «اتحاد انقلابی»، و با توجه به وجود انگیزه‌ها و برداشت‌های گوناگون از چگونگی شیوه‌ها و راهکارهای تحقق اهداف اعلام شده، بازسازی این اتحاد و غلبه بر اُفت مبارزاتی موجود، با ترکیب و شکل کنونی امکان ندارد و نمی‌توان امید داشت که «اتحاد انقلابی» در وضعیت کنونی و از این پس به یک جریان مداخله‌گر و تاثیرگذار بر روند مبارزات سیاسی و طبقاتی جاری در ایران بدل شود و در راه تحقق اهداف خود مبارزاتش را سازماندهی کند.

در عین حال، یک گرایش در «اتحاد انقلابی» نیز معتقد بود که علی‌رغم اختلافات و برداشت‌های گوناگون موجود، می‌توان این نهاد مبارزاتی را با بررسی‌ها و بازنگری در مبانی اتحاد، بازسازی سوسیالیستی کرد و با اقدامات دیگری که شرح جزئیات آن در این‌جا ضرورت ندارد، به انگیزه‌های اولیه این حرکت مبنی بر پاسخ‌گویی به مسئله پراکنده‌گی و تشتت کمونیست‌ها پاسخ گفت.

این گرایش در عین حال معتقد است که این راه حل، تنها زمانی با موفقیت روبرو خواهد شد که با همکاری تمام فعالین کنونی «اتحاد انقلابی» انجام پذیرد و چنانچه نظر اکثریت فعالین این اتحاد بر خروج از این نهاد باشد، به تنهایی نمی‌توان و نبایست این امر را به‌پیش‌برد و به ناچار باید پذیرفت که در این صورت ادامه فعالیت حرکت «اتحاد انقلابی» ممکن نیست و برای یک حرکت تازه و به شکل دیگری باید اقدام کرد.

روشن است که تمام فعالین و گرایش‌ها «اتحاد انقلابی» می‌توانند روایت‌ها و زمینه‌ها و انگیزه‌های بحران را هر یک جداگانه از نظر خود بررسی کنند و به تحلیل آن بپردازند. با این همه؛ این پرسش مرکزی که «چرا این گونه اتحادها علی‌رغم ضرورت و شور اولیه آن تا کنون نتوانسته اند به وظایف مورد نظر خود پاسخ دهند؟»، پرسشی است که همه ما را وامی‌دارد که بر گرد آن کنکاش کنیم و با نقد انگیزه‌هایی که سرانجام به بن‌بست این حرکت رسید، راه پیش‌روی‌های آینده را هموار سازیم.

به همین خاطر در آینده نزدیک نشست‌هایی از سوی فعالین این اتحاد تشکیل خواهد شد تا به توضیح و بررسی این مسئله بپردازند و سایت الکترونی اتحاد انقلابی، به مدت سه ماه آینده همچنان برپا خواهد بود تا محل بازتاب این نقطه نظرات باشد.

«اتحاد انقلابی»، بر اساس جمع‌بندی از گفتگوهای انجام‌یافته، بر این اعتقاد است که این اتحاد، طی دوران فعالیت خود، علی‌رغم تفاوت در دیدگاه‌ها و انگیزه‌ها، توانست با حرکات و مبارزات خود بار دیگر این امر را روشن سازد که سازماندهی اراده واحد برای غلبه بر پراکنده‌گی موجود و دخالت‌گری در مبارزات جاری سیاسی و طبقاتی، یکی از مهمترین راه‌های تاثیرگذاری کوشش‌های مبارزاتی است که خود را یک‌سر در خدمت به اهداف مبارزات بالنده طبقاتی پرولتاریا قرار داده‌اند. روابط و اعتماد و عواطف ایجاد شده در این دوران، رنگ تازه‌ای به عاطفه کمونیستی شمار بزرگی از سوسیالیست-های انقلابی ایران زد و نشان داد که رفاقت‌ها و همدلی و هم‌نگری‌ها، زمینه‌های انسانی و پیوندهایی که به راستی چیزی جز هسته سازمان‌یابی و مبارزات مشترک نیستند در یک کوشش مشترک شکل می‌گیرد. اعتماد و روابط به وجود آمده در این میان، چیزی نیست که علی‌رغم اُفت‌های تشکیلاتی و یا پایان یافتن فعالیت «اتحاد انقلابی» خاموشی گیرد و از میان برود. این رابطه، اکنون خود به عاملی بدل شده است تا هم‌نگری‌ها بهتر از پیش، هموندی‌های خود را بازیابد و کوشش تازه‌ای را برای شکل دادن به حرکت‌های مبارزاتی دیگر آغاز کند.

از هر اُفت مبارزاتی می‌توان آموخت و از پس هر خاکستری می‌توان سربرآورد و نبرد دیگری را آغاز کرد. این راز و رمز زندگی و آموزه تاریخ است.

«اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»

مه 2006 برابر با اردیبهشت 1385